

## در زیر پوست جامعه غوغا برپاست

اذعان به "اعتراف گیری های اجباری" از بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی، آنهم در یک برنامه زنده تلویزیونی، نشانه دیگری از بهم ریختگی درونی نظام و ناتوانی حاکمیت در ادامه بقاء و استمرار حیات به شیوه سابق است. شکنجه، اعتراف گیری اجباری و کشاندن زندانیان قامت شکسته در زیر شلاق و داغ و درفش، از جمله کسب و کار رژیم در ۴۴ سال گذشته بوده است. پس از سال ها اعتراف گیری اجباری و نمایش آن از سیمای جمهوری اسلامی، اکنون رسوایی رژیم به آن حد رسیده است که ابراهیم داروغه زاده، از مدیران پیشین صدا و سیما و معاون سیاسی سابق وزارت ارشاد در یک برنامه زنده تلویزیونی، با اذعان به "اعتراف گیری اجباری" گفت: "من اگر اینجا [در مقام مسئول صدا و سیما] نشسته بودم اجازه نمی دادم که در حقیقت اعترافات اجباری سپیده رشنو از تلویزیون پخش بشود".

این اظهارات مدیر پیشین صدا و سیما و معاونت سیاسی وزارت ارشاد در کابینه روحانی که روز سه شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲، به صورت زنده از شبکه جام جم پخش می شد، با واکنش مجری برنامه روبرو شد. مجری و مصاحبه کننده برنامه با چشمانی از حدقه درآمده از این مدیر سابق پرسید، "چرا اعترافات اجباری؛ اینجوری چرا؟ نظر شماست". ابراهیم داروغه زاده در پاسخ به این مجری مزدور و مدافع شکنجه و اعترافات اجباری با تأکید مجدد گفت: "من می گویم اعترافات اجباری. من نمی گذاشتم [پخش شود] و لاج مردم را در نمی آوردم".

اگرچه اذعان صریح این مدیر سابق صدا و سیمای جمهوری اسلامی به مقوله "اعتراف گیری اجباری" دستگاه های امنیتی و اعلام آن در یک برنامه زنده تلویزیونی، ورشکستگی و بحران درونی حاکمیت را بازتاب می دهد، اما مشکل این مدیر سابق و معاونت وزارت ارشاد

در صفحه ۲

## معامله های پشت پرده ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی

دیپلماسی سری جزئی جدائی ناپذیر از سیاست خارجی دولت های سرمایه داری است که از طریق آن می کوشند زد و بندها و جنایات خود را از چشم توده های مردم پنهان دارند.

مناسبات جمهوری اسلامی با قدرت های امپریالیست جهان نیز مملو از توافق ها و زد و بندهای پنهانی رسمی و غیررسمی است که نه مردم ایران هرگز از آن آگاه شده اند و نه حتی مردم تحت حاکمیت این قدرت ها.

بهرغم ظاهر سازی های اروپا و آمریکا که در بحبوحه مبارزات مردم ایران در نیمه دوم سال گذشته چنین وانمود می کردند که گویا از جنبش

در صفحه ۳

## از آق دره تا طزره



تشدید بیش از پیش سرکوب، یک سیاست عمومی است. نه کارگران و نه هیچ قشر زحمتکش دیگری از شمول این سیاست بیرون نیست. ارتجاع هار حاکم در وحشت از همین کارگران

در صفحه ۴

## اهداف جمهوری اسلامی از به راه انداختن کارناوال سیاه پوشان اربعین

ایران با عراق وارد این کشور شدند. جمهوری اسلامی با فراهم آوردن حمل و نقل مجانی در مرزها، زمینه حضور این افراد در کارناوال را فراهم می سازد. برای نمونه در حالی که مردم بلوچستان از کمترین امکانات بدیهی حتی آب آشامیدنی مناسب محروم هستند و برای زدن بنزین و گازوئیل ساعت ها باید در صف پمپ بنزین بایستند، "شیعیان" پاکستانی از مرزهای بلوچستان سوار بر اتوبوس هایی که عراق برده می شوند. به گفته می معاون وزیر کشور ۱۰۰ هزار پاکستانی از طریق ایران در کارناوال سیاه پوشان اربعین شرکت کردند، هر چند که به نظر می آید آمار واقعی بیشتر باشد. رادان فرمانده جنایت پیشه نیروی انتظامی نیز

در صفحه ۱۰

کارناوال سیاه پوشان اربعین یکی از روشن ترین نمونه ها در دنیای معاصر برای درک نقش افیونی دین است. جمهوری اسلامی با هزینه های سرسام آور و ولخرجی از جیب کارگران و سایر زحمتکشان در به اصطلاح مراسم اربعین، نقش اصلی را در این کارناوال سیاه پوشان بازی می کند و بدون تردید بیشترین منافع را نیز در راه اندازی این مضحکه دارد.

براساس اعلام دولت عراق، ۲۲ میلیون نفر از کشورهای گوناگون در کارناوال سیاه پوشان اربعین در سال جاری حضور داشتند. از این ۲۲ میلیون نفر که البته بخش بزرگی از آن ها مردم عراق هستند، حدود ۴ میلیون نفر براساس اعلام مقامات جمهوری اسلامی از ایران به عراق رفتند. بخشی از این ۴ میلیون نفر کسانی هستند که از سایر کشورها به ایران آمده و از مرز

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در محکومیت تهدیدات جمهوری اسلامی برای خلع سلاح  
نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق!

در صفحه ۷

مرگ ۶ کارگر معدن  
زغال سنگ طزره،  
جنایت دولت و  
سرمایه داران

در صفحه ۶

## در زیر پوست جامعه غوغا برپاست

در کابینه روحانی که پیشینه ریاست پخش شبکه چهار سیما، مدیریت گروه اجتماعی شبکه اول سیما و مدیر موسسه رسانه‌های تصویری را نیز در کارنامه خدمات خود به نظام جمهوری اسلامی دارد، نه اعتراض به اعتراف گیری اجباری از سپیده رشنو، که اعتراض او صرفاً به پخش آن از تلویزیون در آن بازه زمانی معین بوده است. چرا که به زعم او پخش اعتراضات اجباری سپیده رشنو با آن چهره معوم و تکیده و شکنجه شده در زمانی که جامعه ایستن تلاطمات سیاسی بود، نه فقط نفعی برای جمهوری اسلامی نداشت، بلکه "لج مردم را درآورد" و باعث عصیانگری بیشتر مردم شد.

ابراهیم داروغه زاده که اکنون منتقد پخش "اعترافات اجباری" سپیده رشنو از تلویزیون است، مطمئناً بیاد دارد که نمایش فیلم اعتراضات اجباری سپیده قلیان و اسماعیل بخشی که در دی ماه ۹۷ تحت عنوان "طراحی سوخته" از تلویزیون پخش شد، درست در زمانی اتفاق افتاد که او یکی از مدیران ارشد صدا و سیما بود.

همه آنهایی که با جمهوری اسلامی آشنایی دارند، به خوبی می‌دانند که بیش از چهار دهه است که اعتراف گیری های اجباری از زندانیان سیاسی به ضرب شلاق و شکنجه و داغ و درفش و نمایش آن از صدا و سیما همواره بخشی از روند سیاست سرکوب جمهوری اسلامی بوده است. در این مدت، دستگاه های امنیتی و قضایی رژیم با پرونده سازی های جعلی و وادار کردن زندانیان به اعتراف های دروغین علیه خود و دیگران، همواره تلاش کرده اند تا اقتدار نظام و نهادهای امنیتی را به توده های سرکوب شده ایران گوشزد کنند. بر کسی پوشیده نیست که سال های نخست دهه ۶۰، اوج اعتراف گیری های اجباری و کشاندن زندانیان قامت شکسته از ضربات شلاق و شکنجه و داغ و درفش در پای تلویزیون بود. سیاستی ویرانگر که اگرچه در سال های بعد کمی تعدیل یافت، اما هرگز متوقف نشد و تا به امروز هم به اشکال مختلف ادامه دارد.

در ۴۴ سال گذشته، صدا و سیما جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از ابزار سرکوب رژیم همواره در خدمت نهادهای امنیتی بوده است. مدیران ارشد این ارگان تبلیغاتی حاکمیت، مستثناً از اینکه به کدام جناح سیاسی تعلق خاطر داشته باشند، مستثناً از اینکه "اصلاح طلب" یا "اصولگرا" بوده باشند، به رغم تفاوت های اندکی که ممکن است با هم داشته باشند، جملگی از افراد مورد وثوق نظام بوده اند. جملگی افرادی بوده و هستند که از فیلترینگ دستگاه های امنیتی عبور کرده و در حفظ و استمرار نظام فاشیستی جمهوری اسلامی نقش بازی کرده اند. آنان جملگی پیش برنده سیاست های سرکوبگرانه رژیم در جامعه بوده و با دروغ گویی و ساختن فیلم های جعلی، مبارزه علیه رژیم را بی ثمر، چهره انقلابیون آزادیخواه و کمونیست را مخدوش، مبارزات دلاورانه مردم را تحریف، گستردگی مبارزات آنان را بی مقدار و از جان گذشتگی زنان دلاور ایران برای کسب حقوق پایمال شده شان را تحت عنوان "برهنگی

زنان" تخطئه کرده اند. با این همه و به رغم صرف هزینه های کلان، در پی تغییر و تحولات سیاسی سال های اخیر و با شکل گیری یک دوران انقلابی که در تداوم خود منجر به موقعیت انقلابی در جامعه شده است، اکنون تمام بافته های رژیم پنبه و سیاست "اعتراف گیری های اجباری" نه فقط از خیز انتقاع افتاده، بلکه به رسوایی نظام نیز تبدیل شده است.

اینکه افرادی نظیر ابراهیم داروغه زاده به دلیل اینکه پخش اعتراضات اجباری سپیده رشنو "لج مردم را در آورد"، منتقد و یا نگران پخش اینگونه اعتراضات اجباری از تلویزیون هستند، ارتباط تنگاتنگی با اوضاع انقلابی جامعه در شرایط کنونی دارد.

وضعیتی که آشکارا نشان می‌دهد، توده های مردم ایران روزهای پرتحولی را پیش رو دارند. وضعیتی که به ما می‌گوید رژیم به سرایشی سقوط رسیده است و در زیر پوست جامعه غوغایی برپاست. خاصه فرا رسیدن نخستین سالمرگ دولتی ژینا و جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" که در آستانه فرارسیدن آن هستیم. وضعیتی که نشان می‌دهد، نیض جامعه "پر طبل تر از حیات" می‌تبد و شریان مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی "سرسبزتر از جنگل"، بارقه های امید را در باغ ذهن و جان توده های مردم ایران گرده افشانی می‌کند. تمام مولفه های موجود در جامعه، نشان می‌دهد که بالایی ها در گرداب متلاطم بحران های ناعلاج گرفتارند و دیگر نمی‌توانند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کنند. و پابینی ها نیز به حدی در چنبره فقر و تبعیض و کشتار و نابرابری و بی حقوقی محض حاکمیت محصورند، که دیگر نه می‌خواهند و نه می‌توانند وضعیت موجود را تحمل کنند. از این رو، کارگران و زنان و دانشجویان و معلمان و بازنشستگان و نویسندگان و دیگر لایه های جامعه برای تغییر وضعیت موجود و براندازی جمهوری اسلامی بپا خاسته و در گستره ای عمومی به مبارزه با این رژیم فاشیستی روی آورده اند. تا جاییکه جمهوری اسلامی با سرکوب هم دیگر قادر به بازگرداندن زنان و توده های مردم ایران به شرایط قبل از شهریور ۱۴۰۱ نیست.

اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که روند مبارزات توده های مردم ایران طی سال های اخیر در گستره ای وسیع برای سرنگونی جمهوری اسلامی به حرکت درآمده است. در چنین شرایطی پخش اعتراضات اجباری در مخدوش کردن چهره بازداشت شدگان و کاهش اعتبار زندانیان سیاسی عملاً به ضد حاکمیت تبدیل شده است. اگرچه توده های مردم ایران همواره به پخش اعتراضات اجباری رژیم بی اعتنا بوده اند، اما نمایش اینگونه اعتراضات اجباری در سال های اخیر عملاً موجب رسوایی بیشتر رژیم شده است.

وقتی اعتراضات اجباری سپیده قلیان و اسماعیل بخشی در دی ماه ۹۷ تحت عنوان "طراحی سوخته" از سیما جمهوری اسلامی پخش شد، نه تنها چیزی از اعتبار آنان کم نشد، نه تنها توده

های مردم ایران نسبت به فرزندان مبارز خود دچار بی اعتمادی نشدند، بلکه ارزش و اعتبارشان بیش از پیش در میان مردم افزایش یافت. اکنون با گذشته ۵ سال از آن ماجرا، نام سپیده قلیان و اسماعیل بخشی به پاس ماندگاری و دلاوری هایشان در عرصه مبارزه در قلوب مردم جای گرفته است. شجاعت و دلاوری سپیده قلیان - این دختر شجاع خوزستانی - که به هنگام آزادی و خارج شدن از زندان، فریاد زد "خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک" و همچنین تف کردن او به صورت بازجو- خبرنگار صدا و سیما در آخرین دادگاهش، زباززد خاص و عام شده است.

تردیدی نیست که وضعیت امروز جامعه به کلی با دهه های گذشته متفاوت است. در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی دیگر با تهدید و شکنجه و اعتراف گیری و زندان و سرکوب هم نمی‌تواند توده های مردم را از مبارزه باز دارد. این شرایط انقلابی موجود در جامعه است که خانواده های جانفشاندگان را به ایستادگی و رودررویی علنی با رژیم کشانده است. خانواده هایی که به رغم تهدیدات مکرر نیروهای امنیتی برای یادمان فرزندان خود فراخوان می‌دهند و مردم را به حضور بر مزار عزیزانشان فرا می‌خوانند. در وضعیت انقلابی حاکم بر جامعه است که زندانیان سیاسی با مقاومت و ایستادگی در مقابل سرکوبگران رژیم پایداری می‌کنند. زندانیانی همانند لقمان امین پور، سعید ماسوری، افشین بایمانی، سپهر امام جمعه، زرتشت احمدی راغب، محمد شافعی، سامان صیدی (یاسین)، حمزه سواری، کامیار فکور، احمدرضا حائری، رضا سلمان زاده، جعفر ابراهیمی و مسعود رضا ابراهیمی نژاد، که وقتی روز یکشنبه ۱۲ شهریور تحت عنوان تنبیه به زندان قزلحصار کرج تبعید شدند، از همان بدو ورود در اعتراض به انتقالشان از زندان اوین به قزلحصار و در اعتراض به شرایط نامناسب این زندان دست به اعتصاب زده اند و تا این لحظه (۱۹ شهریور) همچنان در اعتصابند. اینکه وحید چاوران، ناصر رضایی، محمدحسین حاصلی و بختیار محمدزاده، چهار زندانی محبوس در بازداشتگاه مرکزی ایلام از روز یکشنبه ۱۲ شهریور با دوختن لب های خود اقدام به اعتصاب کرده اند، اینکه نازیلا معروفیان، این دانشجو - خبر نگار مبارز در اعتراض به چهارمین بازداشت خود طی یک سال جاری از همان بدو ورود به زندان در اعتراض به خشونت اعمال شده بر خود به هنگام دستگیری، اعتصاب غذای خشک کرد و رژیم با قرار وثیقه مجبور به آزادیش شد، جملگی بیانگر وجود دوران خاصی از تحولات و دگرگونی جامعه است.

در واقع، این شرایط انقلابی حاکم بر جامعه است که حاکمیت را از توسل به سرکوب های خونین دهه ۶۰ ناتوان و زمین گیر کرده است. نه اینکه اکنون سرکوب نمی‌کند و یا اینکه نمی‌خواهد سرکوب و کشتار کند. بلکه به دلیل شرایط انقلابی موجود در جامعه دیگر حتی نمی‌تواند به شیوه گذشته سرکوب بیشتر را در جامعه عملی سازد. چرا که جامعه و توده های مبارز ایران از دیوار سرکوب عبور کرده اند و دیگر نمی‌خواهند تحت چنین حاکمیتی زندگی کنند. رژیم

## معامله‌های پشت پرده ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی

زن، زندگی، آزادی علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند و اپوزیسیون‌های بورژوائی خارج از کشور نیز می‌کوشیدند با توسل به این یا آن نهاد و مقام دولتی این کشورها به این توهم پراکنی دامن بزنند، اکنون دیگر برملا شده است که درواقع دقیقاً در همان ایام، این دولت‌ها مشغول مذاکره و بندوبست‌های پنهانی با رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران بودند و از اهرم مبارزات مردم صرفاً به‌عنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی و گرفتن امتیازات و حل اختلافات خود بهره می‌گرفتند.

آنچه تا این لحظه از این بندوبست‌های پشت پرده علنی شده است، توافقاتی است بر سر پرونده هسته‌ای، آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده در کشورهای دیگر از جمله ۱۱ میلیارد دلار در عراق، آزادسازی ۶ میلیارد دلار از سرمایه‌های مسدود شده در کره جنوبی، توافق پنهانی بر نادیده گرفتن فروش نفت توسط جمهوری اسلامی، ظاهراً به‌رغم ادامه تحریم‌ها، مبادله تعدادی از زندانیان دو طرف، از نمونه آزادی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی که در بلژیک به ۲۰ سال زندان محکوم‌شده بود درازای آزادی امدادگر بلژیک و دو تابعیتی‌های آمریکایی که قرار است آزاد شوند، نمونه‌هایی از این توافقات است.

بنابراین روشن است، آنچه درهرحال برای قدرت‌های بزرگ جهان حائز اهمیت بوده و هست، فقط منافع آن‌هاست و همین منافع ایجاب کرده است که با وجود برخی اختلافات همواره از برجای ماندن رژیم استبدادی جمهوری اسلامی در ایران دفاع و حمایت کنند. چراکه این رژیم به‌خوبی از بقای نظم سرمایه‌داری ایران پاسداری و حراست کرده است. از دیدگاه قدرت‌های موردبخت، توافق با جمهوری اسلامی برای حفظ ثبات منطقه و شاهراه انتقال نفت بسیار مهم است. جلوگیری از تبدیل شدن جمهوری اسلامی به یک قدرت هسته‌ای که می‌تواند موازنه قدرت نظامی را در منطقه بر هم بزند، نکته دیگر موردعلاقه این دو قدرت جهانی است. علاوه بر همه موارد ذکرشده، برای آن‌ها مهم است که در جریان رقابت با دیگر قدرت‌های امپریالیست، مانع از آن شوند که بازار ایران به‌کلی از دست برود و از نظر سیاسی نیز جمهوری اسلامی کاملاً در بلوک دولت‌های رقیب از جمله روسیه و چین قرار گیرد.

آن‌ها برای حصول به این منافع، به تروریسم و حتی گروگان‌گیری شهروندان کشور خودشان برای باج‌خواهی گردن نهاده، یا آن را نادیده گرفته‌اند. در این راه تا آنجا پیش رفته‌اند که گروگان‌گیری دیپلمات‌های خود را توسط جمهوری اسلامی نیز از دید مردم کشورهای خودشان پوشیده داشتند و مخفی کردند. نمونه جدید آن هم گروگان‌گیری دیپلمات اتحادیه اروپا توسط جمهوری اسلامی و مخفی ماندن آن به مدت ۵۰۰ روز است.

روز دوشنبه هفته گذشته ۱۳ شهریور ۱۴۰۲ روزنامه نیویورکتایمز در گزارشی نوشت: یوهان فلودروس، کارمند اتحادیه اروپا و

شهروند سوئد، ۵۰۰ روز است که در ایران در بازداشت به سر می‌برد. بر طبق این گزارش، او بهار سال گذشته به ایران سفر کرده بود و در ۲۸ فروردین ۱۴۰۱ زمانی که قصد خروج از ایران را داشته در فرودگاه بازداشت‌شده است. اتحادیه اروپا زندانی شدن یوهان فلودروس را مخفی نگه داشته بود.

این روزنامه افزود: "تهران به‌طور فرصت‌طلبانه ایرانی‌های دو تابعیتی و خارجی‌ها را با اتهامات ساختگی بازداشت می‌کند و به دنبال معامله آن‌ها با ایرانیانی است که در اروپا یا ایالات‌متحده زندانی هستند یا از آن‌ها به‌عنوان اهرمی برای رسیدن به منابع مالی و امتیازات دیگر استفاده می‌کند."

با انتشار این گزارش، وزارت امور خارجه سوئد اعلام کرد: موضوع به مقامات ایرانی ابلاغ‌شده است اما برای جلوگیری از پیچیده شدن تلاش‌ها برای آزادی او و به دلایل محرمانه، در حال حاضر نمی‌تواند وارد جزئیات بیشتر شود. بنابراین گرچه وزارت خارجه سوئد ناگزیر شد بپذیرد که یک شهروند این کشور در زندان‌های جمهوری اسلامی است، اما از افشای نام و مقام وی در اتحادیه اروپا وی خودداری کرد.

پس از انتشار این گزارش، پینتر استانو سخنگوی سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا که زیر نظر جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا فعالیت می‌کند نیز گفت: "ما اظهارنظری در این باره نداریم. فقط می‌توانم بگویم که از یک مورد خاص مطلعیم و از خیلی نزدیک موضوع یک شهروند سوئد را که در ایران بازداشت‌شده دنبال می‌کنیم. این مورد را باید در زمینه روند نگران‌کننده بازداشت‌های خودسرانه ایران دانست که شهروندان اتحادیه اروپا یا ایرانیانی که شهروندی این اتحادیه را دارند به دلایل سیاسی بازداشت می‌کند." وی نیز از تائید هویت یوهان فلودروس و اینکه کارمند این اتحادیه بوده، خودداری کرد.

بالاخره روز سه‌شنبه ۱۴ شهریور جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، تائید کرد که یوهان فلودروس، دیپلمات سوئدی که برای اتحادیه اروپا کار می‌کرده در ایران زندانی است.

جالب اینجاست درحالی‌که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در ۸ مرداد سال گذشته طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده بود، "سربازان گمنام امام زمان، یک تبعه کشور پادشاهی سوئد را به اتهام جاسوسی، شناسایی و بازداشت کردند." سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی هم در کنفرانس خبری خود، اظهار بی‌اطلاعی کرد و در پاسخ به این سؤال که آیا چنین فردی در بازداشت جمهوری اسلامی است؟ گفت "تا این لحظه اطلاعی ندارم."

بازداشت این دیپلمات اتحادیه اروپا هم‌زمان با محاکمه یکی از جلدان جمهوری اسلامی به نام حمید نوری و تقاضای حبس ابد برای وی به اتهام «جنایت جنگی» و «قتل عمد» توسط دادستان‌ها در سوئد، صورت گرفت. البته هم‌زمان با این دیپلمات، جمهوری اسلامی از بازداشت دو سوئدی دیگر به اتهام قاچاق مواد مخدر نیز خبر داد. جمهوری اسلامی همچنین برای زیر فشار قراردادن دولت سوئد اعلام کرد احمدرضا جلالی پژوهشگر ایرانی- سوئدی را به اتهام «جاسوسی» اعدام خواهد کرد.

این اقدامات رژیم برای گروگان‌گیری، تهدید و باج‌خواهی البته تازگی نداشت. جمهوری اسلامی که از همان بدو موجودیت خود با گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی کار خود را آغاز کرد، در سال‌های بعد، از گروگان‌گیری برای آزادی مزدوران تروریست خود در خارج یا به قول محسن رضایی کسب درآمدهای میلیاردری استفاده کرد. این کاسبی کثیف را با بازداشت ده‌ها تن از ایرانیان دو تابعیتی و شهروندان کشورهای دیگر و زدن اتهام جاسوسی به آن‌ها، برای مبادله با تروریست‌های وابسته به خود در کشورهای دیگر یا گرفتن پول ادامه داد. ماجرای گروگان‌های سوئدی هم در همین چهارچوب قرار دارد و با همین دیپلماسی گروگان‌گیری و مذاکرات سری، احتمالاً از طریق مبادله با حمید نوری پایان خواهد یافت. آنچه باقی خواهد ماند، ادامه به‌اصطلاح دیپلماسی گروگان‌گیری، باج گرفتن و باج دادن در پشت درهای بسته میان آمریکا و اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی و در بنیاد آن اصل دیپلماسی سری است.

در پشت این دیپلماسی سری میان جمهوری اسلامی و قدرت‌های امپریالیست، خواه اروپا و آمریکا باشد یا روسیه و چین، موارد بسیاری از زد و بندها و توافقات پنهانی خلاف منافع مردم ایران وجود دارد که هیچ‌گاه علنی نشده و نخواهد شد، مگر با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی که به دیپلماسی سری پایان خواهد داد و تمام توافقات و قراردادهای مخفی خلاف منافع مردم را علنی خواهد کرد.

اما آنچه را که توده‌های مردم ایران به‌ویژه از زبوندهای پشت پرده اخیر میان جمهوری اسلامی و قدرت‌های امپریالیست اروپائی و آمریکائی، نباید فراموش کنند این است که برای قدرت‌های امپریالیست، منافع اقتصادی و سیاسی آن‌ها که منافع انحصارات امپریالیستی است، اولویت تام و تمام دارد. برای آن‌ها به‌کلی فاقد اهمیت است که توده‌های مردم ایران در معرض وحشیانه‌ترین ستمگری ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران قرار دارند. مهم برای آن‌ها این است که بقای دولت استبدادی جمهوری اسلامی تأمین‌کننده منافع آن‌هاست. مردم ایران همواره باید این درس بزرگ را به یاد داشته باشند و بدانند که تمام قدرت‌های امپریالیست همچون جمهوری اسلامی، دشمن آن‌ها هستند.

### زنده باد سوسیالیسم

## از آق دره تا طزره

و زحمتکشانش است که به اعمال قهر و خشونت و سرکوب حداکثری متوسل شده است. بازداشت، احضار، ارباب، زندان، محاکمه، مجازات سنگین، اخراج و تبعید فعالان سیاسی و اجتماعی، کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان،



اساتید دانشگاه و سایر اقشار مردم، به یگانه راه و آخرین مفر جمهوری اسلامی تبدیل شده است. تنگناهای شدید معیشتی فشارهای سنگین و مضاعفی را بر دوش کارگران آوار نموده است. هر تجمع و اعتصاب کارگری در اعتراض به شرایط زندگی حتی با خواستهای صنفی و اقتصادی، با ددمنشی و به شدت سرکوب و فعالان اعتصاب بازداشت و محاکمه و زندانی می‌شوند.

از جمع چند دهنفرد کارگران آق دره که در تجمع مسالمت‌آمیز هشتم مرداد مقابل معدن آق دره بازداشت شده بودند، شش تن هنوز در زندان مرکزی ارومیه زندانی‌اند. در این روز جمعی از کارگران و جوانان جویای کار همراه با خانواده‌های خود مقابل معدن آق دره دست به تجمع زده بودند که مورد یورش وحشیانه مزدوران مسلح رژیم قرار گرفتند. نیروهای انتظامی به روی اعتراض‌کنندگان آتش گشودند. در اثر یورش وحشیانه به تجمع و تیراندازی به روی کارگران چندین نفر زخمی شدند. سه تن که به‌سختی مجروح شده بودند به بیمارستان و ۳۲ نفر دیگر را بازداشت و به زندان منتقل کردند. رضا مظفر فرمانده انتظامی شهرستان تکاب علت بازداشت کارگران را "تجمع غیرقانونی" و آن را "مخل نظم و امنیت" خواند و مهدی تقی زاده دادستان عمومی و انقلاب تکاب نیز اعلام نمود برای این کارگران پرونده قضایی تشکیل شده است.

دستگاه امنیتی و قضایی ۳۲ کارگر و اعتراض‌کننده روستای آق دره را در زندان ارومیه با ضرب و شتم و اهانت مورد بازجویی و تهدید قرار دادند. سرکوب‌گران و مأموران وزارت اطلاعات برای اخذ تعهد از بازداشت‌شدگان تمام تلاش خود را به کار بستند. بنا به گزارش مورخ ۱۵ شهریور شرق "تاکنون ۲۶ نفر از این کارگران با تودیع وثیقه ۶۰۰

میلیون تومانی آزاد و ۶ تن دیگر کماکان به‌صورت بلاتکلیف در زندان ارومیه بسر می‌برند."

در حالی که ۴۴ روز از بازداشت کارگران آق دره سپری شده است، دستگاه سرکوب امنیتی و قضایی با طرح و انتساب برخی اتهامات واهی از نمونه "اخلال در نظم عمومی" و "اقدام علیه امنیت داخلی کشور" هنوز این کارگران را که صرفاً با خواست‌های اولیه‌ای چون کار و اشتغال جوانان جویای کار آق دره و خواست‌هایی نظیر آن، تجمع اعتراضی برپا کرده بودند، در زندان و حبس و بلاتکلیف نگه داشته‌اند. کارفرمای معدن آق دره نیز در همدستی کامل با دستگاه اطلاعاتی و قضایی جمهوری اسلامی برای اعمال فشار حداکثری بر کارگران، از هر امکان و وسیله‌ای سود جست. حقوق تیر و مرداد کارگران اهل آق دره که در جریان تجمع اعتراضی یک ماه ونیم گذشته حضور داشتند، پرداخت نشده و تعدادی از کارگرانی که با قید وثیقه از زندان آزاد شده‌اند نیز اجازه کار ندارند.

گروگان‌گیری دستمزد ماهانه کارگران اعتصابی و ممانعت از بازگشت به کار برخی از آن‌ها، یک اقدام ضد کارگری آشکار است که عرض و طول اختیارات و قدرت سرمایه و طبقه سرمایه‌دار را مجسم می‌کند. طبقه‌ای که رژیم استبدادی و مذهبی جمهوری اسلامی نیز جدی‌تر و همه‌جانبه‌تر از هر جای جهان از آن حمایت و از منافعی حراست می‌کند.

با وجود آنکه معدن طلای آق دره یکی از پرسودترین معادن کشور است اما وضعیت کارگران این معدن چه از نظر دستمزد و مزایا



چه سایر شرایط کار بسیار وخیم است. دستمزد در معادن دولتی گرچه بسیار پائین است و شرایط کار بسیار وخیم و فشار کار بالا، اما در معادن خصوصی شده از نمونه معدن طلای آق دره اوضاع از جمیع جهات بدتر و وخیم تر است. دستمزد یک معدن کار در بخش خصوصی گاه نصف یک کارگر معدن در بخش دولتی است. قراردادهای همه، یک‌ماهه الی سه‌ماهه است. وضعیت بیمه‌ها بسیار نامناسب و فشار کار دو تا سه برابر است به این معنا که یک کارگر معدن خصوصی دو تا سه برابر کارگر معدن دولتی کار می‌کند اما مزد بسیار کمتری دریافت می‌کند. در معدن طلای آق دره کارگران، فصلی هستند و



تنها در فصل بهره‌برداری و استخراج طلا (حدود شش ماه) مزد دریافت می‌کنند و با مزد شش ماه باید مخارج یک سال را تأمین کنند. فعالیت معدن طلای آق دره که یک معدن روباز است، انفجارات و گازهای سمی ناشی از آن طی چند سال آسیب‌های جدی به کشاورزی، زراعت، باغداری و دامپروری این روستا وارد ساخته است. هیچ آلت‌رناتیو دیگری برای اهالی و جوانان جویای کار آق دره جز کار در معدن طلا یا معدن سنگ تراورتن آق دره وجود ندارد. اما کارفرما به افراد خودی و وابسته کار می‌دهد و به خواست جویندگان کار آق دره عموماً پاسخ منفی داده است.

از این‌رو کارگران معدن طلای آق دره، خواهان افزایش دستمزد، قرارداد یک‌ساله، بهبود وضعیت بیمه‌ها، بهبود شرایط و ایمنی محیط کار، همسان‌سازی حقوق با معادن دولتی و جویندگان کار این روستا، خواهان کار و اشتغال هستند. کارگران معدن آق دره و زحمتکشانش این روستا بارها و بارها برای تحقق این مطالبات دست به اعتصاب و تجمع زده و همراه خانواده‌های خود وارد خیابان شده‌اند. این اعتصابات و تجمع‌ها اما هر بار با قهر و سرنیزه و سرکوب پاسخ گرفته‌اند.

دی‌ماه سال ۱۳۹۳ وقتی "شرکت پویا زرکان" پیمانکار معدن طلای آق دره، ۳۵۰ کارگر فصلی این معدن را اخراج کرد، کارگران در اعتراض به این اقدام، در محوطه معدن دست به تجمع زده و خواهان ادامه کار و قرارداد یک‌ساله شدند. کارفرما با شکایت به دستگاه قضایی، علیه کارگران اعلام‌جرم کرد. دستگاه قضایی نیز که همواره حامی و حافظ منافع استثمارگران و ستمگران بوده است، ۱۷ کارگر را به محاکمه کشید و هریک را به ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم نمود. این حکم جنایت‌کارانه دستگاه قضایی در روزهای پایانی اردیبهشت سال ۱۳۹۵ به اجرا درآمد.

در سال ۱۳۹۶ نیز جوانان بیکار و زحمتکشانش ساکن روستای آق دره و روستاهای نزدیک آن، همراه با خانواده‌های خود، تجمع اعتراضی بزرگی را در مقابل معدن برپا نموده و خواستار کار در معدن شدند. این تجمع اعتراضی نزدیک به ۶ هفته ادامه یافت. پاسخ آن تجمع مسالمت‌آمیز

در صفحه ۵

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**



## از آق دره تا طزره

نیز قهر و خشونت و سرکوب بود. شمار زیادی از اعتراض‌کنندگان و جویندگان کار بازداشت و روانه مراکز سرکوب رژیم شدند.

ویژگی معدن و کار در معدن فقط به موارد یادشده، نوع قراردادهای، ناکارایی بیمه‌ها، سختی و شدت کار، پایین بودن وحشتناک دستمزد و اعزام فوری نیروی مسلح برای سرکوب و درهم شکنستن اعتصاب و سرانجام اخراج کارگران و فعالان اعتصاب خلاصه نمی‌شود. یکی دیگر از مختصات کار در معدن، تلفات جانی و کثرت حوادث مرگبار حین کار است. همین چند روز



پیش انفجار تونل رزمجای غربی معدن زغال‌سنگ طزره واقع در شمال شرقی شهرستان دامغان، ۶ کشته برجای گذاشت. سال ۹۸ در حادثه مشابهی در همین معدن ۵ کارگر قربانی شدند. ریزش تونل شماره ۴۲ در سال ۹۹ نیز جان ۲ کارگر را گرفت و باز ۲ کارگر در حادثه دیگری در همین معدن در سال ۱۴۰۰ جان باختند. رویدادهای حین انجام کار که به مرگ کارگر منجر می‌شوند در معدن کشور بسیار بالاست. کارگران از یاد نبرده‌اند که انفجار معدن زغال‌سنگ زمستان یورت در اردیبهشت سال ۹۶ مرگ ۴۳ تن را در پی داشت. این درحالی‌ست که در اغلب این رویدادهای مرگبار، کارگران وضعیت خطرناک محل کار و احتمال بروز حادثه را هشدار داده و به کارفرما اطلاع داده‌اند. اما سرمایه‌داران و صاحبان معدن به این هشدارها وقعی ننهادند و حاضر به تأمین ایمنی محیط کار نشده‌اند.

سرمایه‌دار به جان کارگر اهمیت نمی‌دهد بلکه در همه حال در فکر افزایش سود است. سرمایه‌دار برای آنکه سود خود را افزایش دهد و سهم بیشتری به جیب بزند، همیشه سعی می‌کند هزینه کمتری مصرف کند. یکی از راه‌های مستقیم کاهش هزینه، پرداخت دستمزدهای پایین است که این، باقوت در تمام معدن به‌ویژه معدنی که توسط بخش خصوصی و شرکت‌های پیمانکاری اداره می‌شوند اجرا می‌شود. یکی دیگر از راه‌های کاهش هزینه و افزایش سود، خودداری از صرف هزینه‌هایی است که مربوط به ایمنی و بهداشت و حفاظت محیط کار کارگر است. معدن کشور بدون استثنا فاقد حداقل استانداردهای بین‌المللی در این زمینه‌اند. معدن کشور از جمله معدن زغال‌سنگ اعم از اینکه توسط بخش خصوصی و شرکت‌های پیمانکاری اداره می‌شوند یا دولت، لوازم و وسایل ایمنی و بهداشتی لازم وجود ندارد. اکنون بیش از ۹۵

درصد معدن توسط بخش خصوصی و شرکت‌های پیمانکاری اداره می‌شوند که از کمترین وسایل ایمنی و بهداشتی و حتی از وسایل ساده‌ای مانند دستگاه گاز سنج، تهویه هوا و تأمین اکسیژن نیز محروم‌اند.

در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری حوادث مرگبار حین انجام کار روندی نزولی داشته است. در پرتو سازمان‌یابی و مبارزات طبقه کارگر، سرمایه‌داران در بسیاری از این کشورها به رعایت پاره‌ای نکات ایمنی و بهداشتی در محیط کار وادار شده‌اند. مبارزات طبقه کارگر، بسیاری از سرمایه‌داران و دولت آن‌ها را به تصویب قوانینی به سود کارگران واداشته و کارفرمایان را ملزم به رعایت این مقررات نموده‌اند. در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری و کشورهایی که کارگران از تشکلهای بزرگ و قوی برخوردار هستند ارقام مربوط به مرگ کارگران در حین کار به‌طور نسبی کاهش یافته است. معدن زغال‌سنگ که یکی از قربانگاه‌های اصلی کارگران بوده، در بسیاری از این کشورها به‌کلی تعطیل و انرژی‌های دیگری جایگزین انرژی زغال‌سنگ شده است. در بسیاری دیگر از کشورها از آسیا گرفته تا آمریکای لاتین و هند و استرالیا و غیره نیز بسته به میزان تشکل کارگران و قدرت آن‌ها در چانه‌زنی با سرمایه‌داران، مقررات و قوانینی در زمینه رعایت ایمنی و بهداشت محیط کار و بازرسی از محل کار وضع‌شده و اجرا می‌شود.

در جمهوری اسلامی اما شرایط به گونه دیگری است. در اینجا هیچ حساب‌و‌کتابی در کار نیست. در نبود تشکلهای صنفی و سیاسی طبقه کارگر، سرمایه تعرض به حقوق و جان وزندگی کارگران را آسان‌تر سازمان می‌دهد. مرگومیر ناشی از فقدان ایمنی محیط کار، همه‌جا به‌ویژه در معدن بسیار بالاست. جمهوری اسلامی در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار، در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده است. روزی نیست که چند کارگر دچار سانحه کاری نشوند و به دلیل فقدان ایمنی و حفاظتی جان خود را از دست ندهند. از همان نخستین لحظات ورود به معدن تا آخرین ثانیه‌های خروج، شیخ مرگ پرفراز سرکارگر معدن در چرخش است. کارگر معدن که در جستجوی لقمه‌ای نان اعماق تاریخ زمین، گاه تا ۷۰۰



متری و بیشتر را می‌کود، اطمینانی به بازگشت از اعماق زمین ندارد. کارگر معدن هر بار پا به معدن می‌گذارد، پای مرگ خویش را امضا می‌کند. نه‌فقط کارگر معدن بلکه خانواده وی نیز هرلحظه در اضطراب و وقوع یک حادثه مرگبار بسر می‌برد. مرگ‌هایی که در اساس تصادفی و از روی اتفاق نیستند بلکه به خاطر عدم ایمنی محیط کار و فقدان وسایل لازم و به خاطر سود پرستی سرمایه‌دار وقوع‌شان قطعی است.

نحوه برخورد سرمایه‌دار نسبت به ابزار و وسایل تولید و ماشین‌آلات و مصالح تولید بسیار صرفه‌جویانه و با امساک و قناعت همراه است. باوجود آن‌که نگاهش نسبت به کارگر یک نگاه ابزاری است و کارگر برایش در حکم یک وسیله کار است، اما علی‌رغم این، نسبت به کار زنده (کارگر) به همان نسبت و حتی بیشتر از آن دست‌ودلباز و اسراف‌کار است. این وضعیتی است که در جمهوری اسلامی حاکم است.

از آق دره تا طزره، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب و هر جا معدنی دایر است سرمایه‌دار از جان کارگر هزینه می‌کند اما حاضر نیست برای تأمین ایمنی محیط کار هزینه کند. بساط کارگر کشی در سرتاسر کشور پهن است. این بساط را برای همیشه باید برچید و به عمر ننگین نظم ضد انسانی سرمایه‌داری خاتمه داد. ناجی در کار نیست. کسی هست آیا که این مهم را انجام دهد؟ بله هست! طبقه کارگر که باید خود را متشکل کند. طبقه کارگر متشکل همین‌که قامت راست کند، بساط سرمایه‌دار که بر شانه‌ها و کمر پروانترها برپاشده یکسره فرو خواهد ریخت. این طبقه کارگر متشکل و سازمان‌یافته است که می‌تواند شالوده نظم موجود را ویران، نظام گندیده سرمایه‌داری و جنایات بی‌شمار آن را که مایه ننگ بشریت امروز است، از صفحه تاریخ محو و نابود کند.

### زنده باد اتحاد و پیکار کارگران علیه نظم موجود!



حواداران سازمان فدائیان - آفتاب



## مرگ ۶ کارگر معدن زغال‌سنگ طزره، جنایت دولت و سرمایه‌داران

کشتار بی‌رحمانه کارگران در ایران ادامه دارد. در کشوری که کارگران از ابتدایی‌ترین حق و حقوق، از داشتن تشکلهای مستقل محروم‌اند و بی‌رحمانه توسط سرمایه‌داران استثمار می‌شوند، کمتر روز و هفته‌ای بدون حوادث ناشی از کار و مرگ و مصدومیت کارگران می‌گذرد. شامگاه ۱۲ شهریور یکبار دیگر در معدن زغال‌سنگ طزره انفجار رخ داد و ۶ کارگر، بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت، جان خود را از دست دادند.

بر طبق گزارش‌های انتشار یافته حادثه انفجار در تونل رزمجای غربی معدن زغال‌سنگ طزره در شمال شرقی شهرستان دامغان، شب گذشته ۱۲ شهریورماه اتفاق افتاد. انفجار در عمق ۴۰۰ متری تونل ۷۰۰ متری این معدن، بر اثر تجمع گاز رخ داد.

یکی از کارگران گفت: ۲ نفر راننده لوکوموتیو که پایین در حال بار زدن زغال بودند و یک کارگر پای "بونکر" زیر کارگاه استخراج و سه نفر کارگر استخراج این معدن، زیر آوار ماندند.

این چندمین بار است که در این معدن، کارگران به قتل می‌رسند. سال ۹۸، پنج کارگر این معدن جان خود را از دست دادند. روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۲ کارگر، از کارگران پیمانکاری شرکت، دچار حادثه شدند و جان باختند. اما هیچ اقدامی در جهت ایمنی محیط کار صورت نگرفت و فاجعه دیگری رخ داد.

وضع در تمام معادن ایران بر همین منوال است. سرمایه‌داران که در پی کسب حداکثر سود هستند، حاضر به هزینه کردن برای ایمنی محیط کار نیستند و جان کارگر برای آن‌ها هیچ اهمیتی ندارد. دولت نیز حامی و پاسدار منافع آن‌هاست. از همین روست که ایران در میان کشورهایی با بالاترین حوادث ناشی از کار، در اثر نالیمنی محیط کار است.

بر طبق آمار رسمی، در هر روز لاقلاً ۵ تا ۶ کارگر در رشته‌های مختلف صنعت و خدمات جان خود را از دست می‌دهند. معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی کشور، آمار تلفات ناشی از حوادث کار در سال ۱۴۰۱ را ۱۹۰۰ کارگر اعلام کرد. به گفته معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سالانه حدود ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار در کشور رخ می‌دهد.

آنچه که منابع رسمی دولتی می‌گویند، البته تمام واقعیت را منعکس نمی‌کند. اگر امراض و بیماری‌هایی که هر سال به مرگ کارگران منتهی می‌شود نیز، در نظر گرفته شود، آمار این کشتار کارگران در هر سال به هزاران خواهد رسید.

مسبب تمام کشتار و مصدوم سازی کارگران، دولت و سرمایه‌داران‌اند. این نظم سرمایه‌داری است که این‌همه فاجعه برای کارگران به بار می‌آورد. کارگران بدون متشکل شدن، بدون داشتن تشکلهای مستقل، بدون آزادی نمی‌توانند حتی جلو این فجایع را بگیرند. راه نجات برای کارگران در کشوری که آن‌ها را از ابتدایی‌ترین حق انسانی و کارگری محروم کرده است، سرنگونی نظم ارتجاعی حاکم بر ایران است. برای سرنگونی این نظام ستمگر و دشمن کارگر، متشکل شویم و به اعتصابات سراسری روی آوریم.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۱۳ شهریور ۱۴۰۲**

**کار، نان، آزادی- حکومت شورایی**

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



### در محکومیت تهدیدات جمهوری اسلامی برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق!

در آستانه سالگرد قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی که آغازگر جنبش انقلابی سراسری شد، رژیم جمهوری اسلامی در هراس از شعله ور شدن دوباره اعتراضات توده ای و در ادامه اعمال تروریستی بار دیگر تهدیدات خود برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق را از سر گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی از برپا کردن این جار و جنجال تبلیغاتی و تهدید به موشک باران اردوگاههای نیروهای اپوزیسیون و تعیین ضرب-العجل برای خلع سلاح این نیروها اهداف چند گانه ای را تعقیب می کند. رژیم اسلامی در مانده و عاجز در برابر تداوم مبارزات و جنبش های اعتراضی در داخل ایران در تلاش است اذهان عمومی در ایران و منطقه را از تداوم خیزش انقلابی منحرف و به بحران آفرینی در بیرون از مرزهای ایران جلب نماید. در حالی که یکی از جلوه های شکوهمند مبارزات مردم کردستان در این دوره اتحاد و همبستگی با جنبش انقلابی در سراسر ایران بوده است، رژیم اسلامی با دروغ پردازی و اهدافی تفرقه اندازانه می خواهد جنبش اعتراضی و توده ای در کردستان را از جنبش سراسری جدا کرده و آن را نتیجه فعالیت و تحرک نظامی نیروهای مستقر در کردستان عراق معرفی نماید. رژیم جمهوری اسلامی در حالی که در رقابت با قدرت های رقیب منطقه ای موقعیتش در خاورمیانه تضعیف شده است می خواهد با تکیه بر نفوذی که بر گروه های اسلامی شیعه سهیم در ساختار قدرت در عراق و حشد الشعبی دارد این شکست ها را تا حدودی جبران کند. از این روی طی قراردادی زمان بندی شده با دولت مرکزی عراق برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون در اقلیم کردستان تلاش دارد با سیاست تجاوزکارانه، دامن زدن به تروریسم و مداخله گری ها و با بی ثبات کردن بیشتر منطقه خود را برای دوره جدید از جدال و کشمکش در عراق و منطقه آماده کند.

تردیدی نیست رژیمی که تنها با اتکا به سرکوب و اقدامات تروریستی و تجاوزکارانه اش سر پا ایستاده در این پروژه شوم نیز شکست خواهد خورد. بحران های عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه، که ایران را به سوی انفجاری ساختار شکن برده از یک طرف و رشد و تعمیق مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان، فرهنگیان، بازنشستگان و سایر جنبش های اجتماعی از طرف دیگر، امان این را به رژیم ترور و اعدام نخواهد داد تا با توسل به خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون از مهلکه ای که گریبانش را گرفته است، خلاصی یابد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست تهدیدات قلدرمنشانه رژیم اسلامی را بر علیه نیروهای اپوزیسیون، پناهندگان و مردم زحمتکش نوار مرزی کردستان عراق قویا محکوم می کند و از همه نیروهای آزادیخواه و انقلابی درخواست می کند که با پشتیبانی و همگامی با جنبش های اجتماعی در ایران که "پاشنه آشیل" این رژیم رو به زوال است، صدای مبارزات انقلابی توده های بپاخاسته کار و زحمت را به هر شکل ممکن از قبیل اعتصاب و اعتراضات خیابانی در سالگرد خیزش انقلابی شهریور ماه رسانند. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از نیروهای جنبش سوسیالیستی و نیروهای پیشرو و ترقی خواه در کردستان عراق انتظار دارد که با دامن زدن به فعالیت تبلیغی و روشنگرانه در مورد ماهیت ارتجاعی سیاست ها و اهداف جمهوری اسلامی، هزینه سیاسی این اعمال جنایتکارانه و تروریستی را سنگین تر کنند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

**15 شهریور ۱۴۰۲**

**6 سپتامبر 2023**

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

## اهداف جمهوری اسلامی از به راه انداختن کارناوال سیاهپوشان اربعین

هزینه بیمه اربعین برای هر نفر ۳۵ هزار تومان است که با در نظر گرفتن بیمه شدن حدود سه میلیون نفر، کل مبلغ دریافتی بابت حق بیمه ۱۰۵ میلیارد تومان می‌شود. این مبلغ در برابر هزینه‌های درمانی که از جیب مردم زحمتکش در کارناوال فوق خرج می‌گردد به معنای کامل کلمه هیچ است. تنها این را در نظر بگیرید که هزینه ویزیت پزشک عمومی براساس تعرفه‌ی دولتی ۹۰ هزار تومان است.

به‌گفته‌ی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی، راه‌اندازی دو بیمارستان در مرز شلمچه و مهران، استقرار ۳۷۰ دستگاه آمبولانس، ۵۸ اتوبوس آمبولانس، حضور هزار نفر از کارکنان وزارتخانه از جمله ۱۲۰ پزشک عمومی و متخصص، ۱۲ بالگرد و ۳ هواپیما از جمله اقدامات این وزارتخانه برای کارناوال سیاهپوشان اربعین بوده است.

به‌گفته‌ی وی این وزارتخانه در مرز مهران بیمارستانی ۱۵۰ تختخوانی برای کارناوال فوق راه‌اندازی کرده است. با توجه به این‌که هزینه ایجاد یک تخت بیمارستانی ۸ میلیارد تومان است، تنها هزینه این بیمارستان که طی ۹ ماه راه‌اندازی شد به هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان می‌رسد.

جمهوری اسلامی همچنین به هر یک از شرکت‌کنندگان ایرانی کارناوال ۲۰۰ هزار دینار عراق داد که برای ۳ میلیون نفر برابر با ۴۵۶ میلیون دلار می‌شود و این در حالی‌ست که برای ضروری‌ترین نیازهای درمانی مردم از قبیل دارو (بویژه برای بیماری‌های خاص) و دستگاه‌های مورد نیاز بیمارستان‌ها و غیره ارزی وجود ندارد. نرخ فروش دینار نیز ۲۰ درصد کمتر از نرخ دینار در بازار آزاد بود که بدین ترتیب بیش از ۹۱ میلیون دلار برابر با ۴ هزار و ۵۶۰ میلیارد تومان از جیب مردم به شرکت‌کنندگان کارناوال سوپسید داده شد.

یکی دیگر از هزینه‌های سرسام‌آور کارناوال سیاهپوشان اربعین، تهیه و تامین غذا و نوشیدنی مانند آن است. برای این‌کار موبک‌هایی از جمله در مسیر کارناوال از نجف به کربلا ایجاد می‌شود که براساس آمارهای منتشره ۷۰۰۰ موبک در مسیر کارناوال‌ها برپا می‌شود که وظیفه‌ی ارائه خدمات درمانی و تامین غذا و نوشیدنی رایگان را برعهده دارند. جمهوری اسلامی برای تجهیز این موبک‌ها از تاریخ ۲۴ مرداد تا ۲ شهریور تنها از مرز ایلام ۱۷۳۳ کامیون به عراق فرستاد. این نکته را هم در نظر داشته باشیم که جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر تلاش زیادی برای آزاد کردن پول‌های بلوکه شده در عراق داشت که در پی تلاش دولت عراق نزدیک سه میلیارد دلار از آن پول‌ها آزاد شد، اما مشروط به خرید کالاهای اساسی و دارو. بدین ترتیب جمهوری اسلامی توانست برای کارناوال امسال، از پول‌هایی که در عراق دارد برای تامین نیازهای دارویی و غذایی موبک‌ها به میزان نامعلومی برداشت کند.

با یک محاسبه ساده می‌توان دریافت که هزینه این موبک‌ها که وظیفه‌ی تامین نیازهای غذایی، آشامیدنی و نیز درمانی را در کنار فعالیت‌های تبلیغاتی به نفع جمهوری اسلامی برعهده دارند، رقمی سرسام‌آور است، پول‌هایی که از سفره مردم ستم‌بیده‌ی ایران غارت می‌شود. برای نمونه هم اکنون قیمت برنج باسماتی پاکستانی کیلویی حدود ۷۰ هزار تومان است. ارزش ریالی بار برنج پاکستانی یک کامیون ۴۰ تنی حدود ۳ میلیارد تومان است. حال این را هم در نظر بگیریم که خیلی از کالاها قیمت‌شان بالاتر و برخی نیز کمتر است. اما اگر متوسط ارزش ریالی بار یک کامیون را ۳ میلیارد تومان در نظر بگیریم، ارزش ریالی ۱۷۳۳ کامیون که در مدتی کوتاه از استان ایلام برای تامین نیازهای موبک‌ها از مرز خارج شد (با هزینه حمل و نقل) حداقل بیش از ۵ هزار میلیارد تومان است.

در نظر بگیریم که به طور متوسط شرکت‌کنندگان در کارناوال حدود یک هفته در عراق بمانند. هزینه تامین غذا و آشامیدنی ۲۲ میلیون نفر (برای هر نفر روزی حداقل ۴۰۰ هزار تومان که واقعا حداقل است) به ۶۲ هزار میلیارد تومان می‌رسد که باز اگر حداقل نیمی از این را جمهوری اسلامی تامین کرده باشد (و اگر نه همه‌ی آن را) به رقم وحشتناک ۳۱ هزار میلیارد تومان می‌رسیم. بنابراین با یک حساب سرانگشتی هزینه کارناوال سیاهپوشان اربعین از نیازهای غذایی و درمانی و حمل و نقل و غیره به حداقل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد که از این میزان بخش بزرگی را جمهوری اسلامی تامین می‌کند. جمهوری اسلامی پیش از این هزینه‌های هنگفتی نیز برای زیرساخت‌های این مراسم از جمله ساخت قصرهایی بزرگ تحت عنوان اقامتگاه "زائران" در کربلا و نجف صرف کرده است.

تمام این پول‌ها نیز مستقیم و غیرمستقیم از جیب کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه خرج می‌شود. برای نمونه تمام شهرداری‌ها به‌طور رسمی مبلغی برای هزینه‌های اربعین اختصاص می‌دهند. امسال برای نمونه شهرداری تهران ۴۰ میلیارد تومان و شهرداری مشهد ۲۶ میلیارد تومان کمک نقدی به این کارناوال کردند و این جدا از کمک‌های غیرنقدی و خدماتی‌ست که شهرداری‌ها در این کارناوال افیونی از جیب مردم هزینه می‌کنند.

بودجه وزارت راه و شهرسازی برای سال جاری ۳۱ هزار میلیارد تومان است که بخش مهمی از آن حقوق پرسنل این وزارتخانه می‌باشد. به‌رغم این موضوع هزینه این وزارتخانه برای اربعین ۳ هزار میلیارد تومان است، یعنی ده درصد از کل بودجه این وزارتخانه. دیگر وزارتخانه‌ها نیز کم و بیش چنین وضعیتی دارند. به‌گفته‌ی معاون وزیر کشور هزینه وزارت کشور برای اربعین بالغ بر ۵۵۰ میلیارد تومان بوده است. هزینه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۸۵۰ میلیارد تومان است و این در حالی‌ست که کل

بودجه وزارتخانه ۲ هزار و ۷۴۶ میلیارد تومان است. بنابراین برای تامین این مبلغ وزیر تعاون بار دیگر باید دست در جیب سازمان تامین اجتماعی بکند. در واقع نحوه تامین و حتا میزان هزینه‌های اربعین عموماً رسانه‌ای نمی‌شود و این موارد محدود هم به لطف شبکه‌های اجتماعی رسانه‌ای شده‌اند.

در رابطه با هزینه‌های اربعین این را هم باید نوشت که استان‌های مرزی هزینه‌های جداگانه‌ای برای ایجاد زیرساخت‌های "لازم" برای کارناوال سیاهپوشان دارند. برای نمونه هزینه استان ایلام ۶ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان و کرمانشاه ۴۳۹ میلیون تومان اعلام شده است. از هزینه استان خوزستان نیز تاکنون خبری انتشار نیافته است، اما هزینه این استان در سال گذشته ۳۶۰ میلیارد تومان بود.

اما اهداف جمهوری اسلامی از راه‌انداختن کارناوال سیاهپوشان اربعین و صرف هزینه‌های هنگفت برای آن چیست؟!

اگرچه اهداف کلی جمهوری اسلامی از این کار برای بسیاری از مردم آشکار است، اما برای درک روشن‌تر آن باید به سابقه‌ی راه‌اندازی این کارناوال اشاره‌ی داشت.

جمهوری اسلامی بویژه از سال ۱۳۹۰ در زمانی که احمدی‌نژاد بر کرسی ریاست‌جمهوری نشسته بود و با خروج سربازان آمریکایی از عراق در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما، سرمایه‌گذاری برای راه‌انداختن کارناوال سیاهپوشان اربعین را استارت زد و در طول این سال‌ها توانست آن را به یک نمایش سیاسی پر سروصدا برای جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور تبدیل کند. در دوران حکومت صدام حسین در عراق بر سر راهپیمایی اربعین بین رهبران مذهبی شیعه‌ی عراق با حکومت تا حدودی درگیری وجود داشت، ولی کلا اربعین تا آن زمان بیشتر در حد یکی از مراسم‌های مذهبی محدود در عراق باقی ماند. بعد از سرنگونی صدام حسین، مراسم اربعین توسط گروه‌های شبه‌نظامی شیعه و رهبران مذهبی آن به یک نمایش عمومی تبدیل شد تا این‌که با خروج نظامیان آمریکایی، جمهوری اسلامی فرصت را برای محکم کردن جا پای خود در عراق غنیمت شمرد و راه انداختن کارناوال اربعین یکی از همین سیاست‌ها بود. تا جایی که به‌گفته‌ی وزیر راه دولت عراق شمار شرکت‌کنندگان در این کارناوال در سال ۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) به ۲۶ میلیون نفر رسید که بالاترین رقم شرکت‌کنندگان در این کارناوال است.

برای آن‌که متوجه شویم در طول این سال‌ها کارناوال اربعین چه مسیری را پیمود، به این نکته می‌بایست دقت کرد که در سال ۸۹ تنها ۴۰ هزار نفر از ایران برای شرکت در این کارناوال به عراق سفر کرده بودند، اما بویژه پس از ظهور داعش و تصرف شهر موصل توسط این گروه در سال ۹۳، با تشکیل گروه شبه‌نظامی "الحشد الشعبی"، حضور نظامی جمهوری اسلامی در عراق شدیداً تقویت شد. یکی از نتایج این حضور نیز سرمایه‌گذاری هنگفت جمهوری اسلامی برای راه انداختن کارناوال افیونی اربعین است. به‌طوری که سال ۹۶ تعداد



## اهداف جمهوری اسلامی از به راه انداختن کارناوال سیاهپوشان اربعین

شرکت‌کنندگان ایرانی کارناوال به ۳ میلیون نفر رسید.

از آن سال تا کنون جمهوری اسلامی صدها هزار میلیارد تومان از حاصل دسترنج کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه را برای راه‌انداختن کارناوال نمایش قدرت هزینه کرده است.

از یک سو جمهوری اسلامی از این کارناوال برای دامن زدن به خرافات مذهبی و دقیقاً آنچه که گفته می‌شود یعنی از دین به‌عنوان افیون توده‌ها استفاده می‌کند و از سوی دیگر در راستای اهداف ایدئولوژیک و منطقه‌ای خود تحت عنوان "هلال شیبی" از این نمایش بهره می‌جوید و این افیون را در سراسر منطقه برای بهره‌برداری سیاسی می‌گستراند. جمهوری اسلامی به‌عنوان یک حکومت دینی شیعه که شیعه را مذهب راستین می‌داند و خامنه‌ای را رهبر مسلمانان جهان، با راه انداختن این کارناوال ۲۲ میلیون نفری به بهانه‌ی "اربعین حسینی" به‌عنوان یکی از نمادهای مهم مذهب "شیعه"، سعی می‌کند شرکت در اربعین را در طراز مراسم حج قرار دهد و حتی برای "شیعیان" مهم‌تر از مراسم حج، مراسمی که سالانه حدود ۲ میلیون و پانصد هزار نفر در آن شرکت می‌کنند و عربستان سعودی "سنی مذهب" رقیب منطقه‌ای جمهوری اسلامی به عنوان کلیددار کعبه کارگردانی نمایش را برعهده دارد.

تنها یک تفاوت بزرگ بین این دو نمایش مذهبی وجود دارد. عربستان سعودی علاوه بر بهره‌برداری مذهبی از "مراسم حج"، منافع اقتصادی کلانی نیز دارد. درآمد خالص عربستان از "مسلمانانی" که از سایر کشورها در مراسم سالانه حج و یا در طول سال به مکه برای "زیارت" کعبه سفر می‌کنند، حداقل ده میلیارد دلار برآورد می‌شود. در حالی که جمهوری اسلامی برای نمایش سیاسی خود و راه انداختن کارناوال سیاهپوشان اربعین، سالانه حداقل ده‌ها هزار میلیارد تومان از جیب مردم ایران می‌دزدد و در عراق هزینه می‌کند.

همان‌گونه که جمهوری اسلامی برای اهدافی مشابه، با مشارکت در جنگ داخلی سوریه ۵۰ میلیارد دلار هزینه کرده است و باز همان‌گونه که مبالغی کم و بیش در عراق، لبنان، یمن، افغانستان، پاکستان و حتی برخی از کشورهای آفریقایی و غیره هزینه کرده است. فقط هزینه کمک مالی به حزب‌الله لبنان سالانه بالغ بر یک میلیارد دلار است که از جمله (همان‌طور که حسن نصرالله به آن اذعان کرد) شامل هزینه و حقوق شبه‌نظامیان حزب‌الله لبنان است.

برای حکومت دینی حاکم بر ایران، دین ابزار است، همان‌طور که خدا و اربعین ابزار هستند، ابزاری افیونی برای فریب توده‌ها، برای تحمیق توده‌ها و برای پیش‌بردن سیاست‌های جنایتکارانه در داخل و خارج از کشور.

## در زیر پوست جامعه غوغا برپاست

### سونیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

### دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمینا
۲۰۰ کرون	خروش (سپتامیر)

### ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------

### هند

۵۰ یورو	داوود مدائن (ژوئیه)
۵۰ یورو	داوود مدائن (اوت)

### آمریکا

۲۵ دلار	مهسا
۵۰ دلار	از سیاهکل تا حکومت شورایی
۱۰۰ دلار	رفیق توکل حکومت شورایی

### آلمان

۱۰۰ یورو	زنده و جاوید یاد آزادگان خاوران
۱۰۰ یورو	در آستانه توفان انقلابی ۱۴۰۲

خوب می‌داند که در وضعیتی که جامعه آبیستن توفان‌های سیاسی سهمگین‌تر از جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" است، هرگونه اعمال سرکوب و فشار بیشتر باعث افزایش خشم مردم و گسترش مبارزات آنان خواهد شد. با این همه نمی‌توان انکار کرد که رژیم تنها ابزاری که برای مقابله با مردم در اختیار دارد، سرکوب است.

این را زنان و جوانان و کارگران و معلمان و بازنشستگان و عموم مردم ایران به صد سخن فریاد کرده‌اند. آنان خواست دگرگونی بنیادی و سرنگونی جمهوری اسلامی را با خیزش‌ها و قیام و نبردهای خیابانی خود اعلام کرده‌اند. نشانه‌های این نخواستن و نفی وضع موجود، در جسارت و بی‌باکی زنان، در شجاعت دانشجویان، در دلآوری بازنشستگان، در اعتصابات کارگری، در شعار "تان، کار، آزادی - اداره شورایی، در پایداری خانواده‌های جانفشاندگان، در دلآوری زندانیان سیاسی و در گستره‌ای عمومی‌تر، از شجاعتی که هم اینک در جامعه تکثیر می‌شود، تبلور یافته است. مگر نه این است با شکل‌گیری موقعیت انقلابی، علاوه بر اینکه بالایی‌ها دیگر نمی‌توانند به شیوه سابق حکومت کنند، علاوه بر اینکه پابینی‌ها هم دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضعیت موجود را تحمل کنند، نترسیدن، عبورکردن از دیوار سرکوب و بروز اقدامات شجاعانه و "محیرالعقول" از دیگر مولفه‌های وجود موقعیت انقلابی در جامعه است. اینکه امروزه، جوانی در میدان مبارزه جان می‌بازد، پدر به میدان می‌آید، اینکه خواهری دستگیر می‌شود، برادر به جای او فریاد می‌زند، اینکه خواهر بازداشت می‌شود، جمله اعضای خانواده با وجود تهدیدات مکرر به اعتراض بر می‌خیزند، اینکه در برنامه زنده سیمای جمهوری اسلامی به "اعتراف‌گیری‌های اجباری" رژیم اذعان می‌شود، اینکه جامعه در برپایی یک انقلاب اجتماعی بی‌تاب و بی‌قرار است، جمله‌ی بیانگر این است که در زیر پوست جامعه غوغایی برپاست. غوغایی برای دگرگونی نظم موجود و پی‌افکندن نظم شورایی که مبتنی بر اراده سیاسی کارگران و زحمتکشان باشد.

زنده باد، همبستگی بین المللی کارگران

## اهداف جمهوری اسلامی از به راه انداختن کارناوال سیاهپوشان اربعین

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1036 September 2023

از کشور از شرکت‌کنندگان در این کارناوال دریافت نمی‌شود.

به غیر از ۱۱۶ هزار نفر که با هواپیما به نجف رفتند، سایر شرکت‌کنندگان در کارناوال با اتوبوس به عراق سفر کردند. همان‌طور که همگان می‌دانند خرید و فروش بلیط هواپیما تماما در دست عوامل حکومتی بود و سوبسید کلانی نیز بابت بلیط هواپیما پرداخت شد. در حالی که بهای بلیط در مسیری از نظر مسافت تقریباً مشابه برای نمونه از تهران به دبی حداقل ۲۰ میلیون تومان است، بهای بلیط هواپیما از تهران به نجف تنها ۸ میلیون تومان تعیین شد.

یکی از هزینه‌های سرسام‌آوری که به کارگران و سایر زحمتکشان بابت این کارناوال تحمیل می‌شود، هزینه‌های درمانی است.

براساس آمارهای منتشره در رسانه‌های جمهوری اسلامی، سال ۹۶ هزینه خدمات درمانی سرپایی وزارت بهداشت و مراکز درمانی نیروهای مسلح در کارناوال اربعین ۲۰ هزار میلیارد تومان بود که با توجه به افزایش سرسام‌آور هزینه‌های درمانی در شش سال اخیر، باید نتیجه گرفت که تنها هزینه‌های درمانی چندین برابر سال ۹۶ شده است. جالب آن‌که

۸ صفحه

در این رابطه گفت: اتباع بیش از ۱۰ کشور از مسیر مرزهای ایران به سمت عراق رفته‌اند. او البته اسامی این کشورها را اعلام نکرد ولی همان‌طور که از سایر اخبار مشخص است بیشتر این افراد از پاکستان و یا مهاجرین و پناهندگان افغان هستند.

براساس اعلام سامانه ثبت نام "سماح" متعلق به سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی، در مجموع ۲ میلیون و ۸۲۲ هزار و ۶۵۵ نفر با پرداخت حق بیمه ثبت نام خود را در این سامانه برای سفر به عراق قطعی کرده بودند که از این تعداد حدود ۵۰۰ هزار نفر کودک (زیر ۱۸ سال) بودند. از نظر جنسیت نیز بیش از یک میلیون و صد هزار نفر زن و بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر مرد بودند.

استفاده از کودکان و زنان برای پُر رونق نشان دادن کارناوال سیاهپوشان اربعین یکی از روش‌های جمهوری اسلامی است که همگان با آن آشنا هستند. جمهوری اسلامی برای تسهیل این موضوع اجازه نامه محضری زن از همسر برای خروج از کشور را حذف کرد. این در حالی است که در جمهوری اسلامی زنان از مسافرت به خارج کشور بدون اجازه همسر محروم هستند. همچنین هیچ‌گونه هزینه‌ای بابت عوارض خروج



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

### تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

### بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستا گرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

**Alternative Shorai**

**Satellite: Yahsat**

**Frequency: 12594**

**Polarization: Vertical / عمودی**

**Symbol Rate: 27500**

**FEC: 2/3**

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی